

■ **احمد رضا صدری**

روژهایی که در پی می آید، مصادف است با سی‌ونهمین سالمرگ محمدرضا پهلوی در قاهره؛ از این روی سخن درباره ویژگی‌های حکومت وی بهنگام به نظر می‌رسد. مقالی که پیش‌روی شماس‌ت، ۲۷ سال چالش‌مشروعیت او را به تبیین نشسته‌است. امید آنکه مقبول آید. ■ ■ ■

■ **نیروهای سیاسی فعال در جامعه پس از ۲۰ سال دیکتاتوری**

رضاخان با یک کودتا به عرصه سیاسی کشور آمد؛ کودتایی که به یک دیکتاتوری ۲۰ ساله منتهی شد. پس از خروج او از کشور و در پی یک دوره اختناق مطلق، بازیگرانی که صحنه را به‌دست گرفتند عبارت بودند از دربار، مجلس، سفارتخانه‌های خارجی و مردم. در این دوره به‌هم‌ریختن اوضاع دربار، ضعف شاه، حضور نیروهای اشغالگر و موانع موجود بر سر راه تثبیت سلطنت موجب گردید تا نیروهای سیاسی کشور در فضای سیاسی‌بازی که در پی این وضعیت پدید آمده بود به فعالیت بپردازند و تا حدودی امکان رقابت و مشارکت در سطوح میانی قدرت فراهم شود. گروه‌ها و احزاب سیاسی برای ورود به مجلس، فعالیت در عرصه مطبوعات و نفوذ در کابینه و انتخاب وزرا با هم به رقابت پرداختند و بارها بر نقش تشریفاتی شاه و اینکه او باید سلطنت کند نه حکومت پاشاری کردند.نیروهای مذهبی جایی رساندند که پادشاه در کابینه و انتخاب‌های قانونی را به آنجا که پیشرفت مخالفان حکومت، منافع سفارتخانه‌های خارجی و دربار را در معرض خطر قرار داده بود، در اثر توطئه‌های آنان، نیروهای ملی و مذهبی دچار اختلاف و تفرقه شدند و سازمان مستحکم آنان فروپاشید. اتحاد نیروهای مخالف حکومت و در دست گرفتن قدرت توسط آنها درواقع تا حد زیادی به خاطر شرایط مساعد داخلی و خارجی فراهم شده بود. در داخل کشور، کسی مثل رزم‌آرا، حکومت را به‌شدت نگران کرده بود و دربار علاقه داشت با ترغیب مخالفین به مخالفت با رزم‌آرا درواقع از قدرت او بکاهد و به این‌ ترتیب تهدیدهایی را که از جانب رزم‌آرا متوجه دربار بود کمتر کند.

در بعد خارجی هم با وجود آنکه انگلستان علیه نیروهای مخالف رژیم شاه تلاش‌های فراوانی کرد و شوری و حزب توده از هیچ‌نوع کوششی برای خنثی‌سازی فعالیت‌های نیروی متحد ملی و مذهبی ایران‌ قزو گذار نکردند، دولت آمریکا در قبال مخالفان روش دیگری را در پیش گرفت. در این دوران قدرت هسته‌ای امریکا که تنها هم‌بازدارنده شوری بود، امریکا را به ابر قدرت در پانزاع دنیا تبدیل کرده بود. امریکا بعد از پایان جنگ جهانی دوم از انزوای سیاسی بیرون آمده و در اکثر نقاط دنیا، به‌خصوص خاورمیانه حضور جدی و فعالی را آغاز کرده بود.

امریکا به چند دلیل در برابر مخالفین ملی و مذهبی ایران انعطاف به خرج می‌داد.دلیل اول اینکه باوجود آنکه شوری دائماً در شرق آسیا و اروپای شرقی بحران ایجاد می‌کرد، امریکایی‌خواست با مخالفت با مخالفان رژیم شاه، منافع غرب را به خطر بیندازد.ثانیاً امریکا مثل انگلستان در ایران از بابت نفعت امتیاز و منافع اقتصادی خاصی خواست منافع حیاتی خود را با مخالفت با مخالفین قانونی در ایران که به شویهای دموکراتیک و پارلمانی در پی کسب قدرت بودند، به خطر بیندازد. ثالثاً دولت هر ی ترومن، رئیس‌جمهور وقت بنابر این حضور امریکا در رقابت‌های سیاسی داخل ایران باعث شده بود که بین نیروهای سیاسی کشور توازن مناسبی شکل بگیرد و در نتیجه مخالفین نتوانند با قدرت و امکانات بیشتری در عرصه سیاسی به فعالیت بپردازند.

■ **۲۸ مرداد، آغاز سرکوب خشونت‌بار**

در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ فضای باز سیاسی پایان می‌یابد و جریان حوادث به سمت تثبیت دیکتاتوری رژیم محمدر شانشاهی پیش می‌رود. شاه با حمایت نیروهای سرکوبگر، در اثر کودتا قدرت پیدا کرد و تقویت شده بودند و نیز در اثر حمایت‌های سیاسی، نظامی و مالی امریکا و انگلستان، به این کشور وابستگی بیشتری پیدا کرد. در پی تثبیت حکومت شاه، دستگاه‌های جاسوسی و امنیتی قادر نمشد ایجاد شدند و ارتش به انواع و اقسام سلاح‌های جدید مجهز شد تا به این ترتیب حافظ تداوم رژیم شاه باشند. در این شرایط اکتا به رأی مردم جنبه تشریفاتی و صوری پیدا کرد و تقلب در انتخابات به صورت عرف در آمد. اختناق سنگین و فضای امنیتی همراه با سرکوب و اراعب شدید، مانع از هر نوع فعالیت و تلاش برای آگاهی‌بخشی به توده‌ها وسیع‌افکار عمومی بود. این دوره را از نظر وابستگی به بیگانگان و فشار و اختناق امنیتی، شاید بتوان بدترین دوره حکومتی در ایران دانست. امریکا نهایت همکاری را با دولت‌اهدی کرد تا آن را تمام و کمال به صورت یک دولت دست‌نشانده برپیاورد، در حالی‌که پیش از آن مصدق همواره تلاش کرده بود با گرفتن وام، به اقتصاد بدون نفت سر و سامانی بدهد که با او هیچ گونه همکاری و هم‌راهی‌ای نشد.

امریکا با هر نوع درخواست مصدق برای دادن وام یا خرید نفت مخالفت کرد، در حالی‌که به محض سرکار آمدن دولت زاهدی با درخواست وام ۵۲/۵ میلیون دلار ی موافقت کرد و تا سال ۱۹۵۴ این مبلغ را تا ۱۱۰ میلیون دلار ارتقا داد.

■ **تلاش برای ایجاد مشروعیت صوری**

رژیم شاه در دورانی که آرامشی نسبی بر کشور حاکم شده بود سعی کرد با انجام یکسری اقدامات صوری و نمایشی به خود مشروعیت ببخشد؛ از جمله اقبال، نخست‌وزیر وقت، در سال ۱۳۳۶ سعی کرد یک نظام دوجویی و اپوزیسیون پارلمانی و قانونی رامیندازد و به این ترتیب، مخالفان را شناسایی و کنترل کند. بعد هم با دراختیار گرفتن انتخابات، دو حزب «ملیون» و «مردم» را علم کرد. اقبال و شاه به‌غلط تصور می‌کردند می‌توانند با دستکاری در اوضاع سیاسی، جلوی مخالفت‌ها را بگیرند و به علل و ریشه‌های محبوبیت احزاب و شخصیت‌های مستقل ملی و مذهبی فکر نمی‌کردند. آنها مدتی به این شیوه ادامه دادند، اما خیلی زود مشخص شد که روش غلطی است و در نتیجه تصمیم گرفتند احزاب مستقل را سرکوب کنند. در این نمایش حزبی، شاه گاهی به نظام‌های تک‌حزبی حمله می‌کرد تا



محمد رضا پهلوی و مواجهه با ۳۷ سال چالش مشروعیت

هیچ کارهٔ همه کاره!

استدلال امریکا هم این بود که رژیم‌هایی چون رژیم شاه، به دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی که به مردم خود وارد می‌کنند و با ایجاد اختناق شدید، در داخل کشور شان محبوبیت و مشروعیت ندارند و در نتیجه کمونیست‌ها فرصت مناسبی برای نفوذ و ایجاد انقلاب در این کشور‌ها پیدا می‌کنند و منافع امریکا را به خطر می‌اندازند. به همین دلیل دولت‌کندی تصمیم گرفت از حکومت‌های دموکرات و سیاستمداران میانه‌رو حمایت کند. به همین دلیل در ابتدای کار از دکتر علی امینی، سیاستمدار طرفدار خود و از سیاست‌های جبهه ملی ایران حمایت کرد.

هنگامی که کندی در سال ۱۹۶۳ ترور شد و جانسون سر کار آمد، رژیم شاه بار دیگر فرصت پیدا کرد که بر فشار و اختناق خود متغزاید و بار دیگر به بهانه مبارزه با کمونیسم، به سرکوب مخالفان خود بپردازد. رژیم شاه سعی کرد توصیه‌های کندی را در مورد مسائل سیاسی تا حدودی رعایت کند، منتها شیوه و روش خودش را در افزایش پیدا کردند و طبقه وابسته به دولت شکل گرفت و برخی از نوسازی‌های اقتصادی و نظامی و اندکی هم سیاسی اتفاق افتاد. هر چند اعتراضات مردمی و گسترده ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برای حکومت به صورت یک چالش جدی در آمد، اما سرکوب سریع و خشن و گسترده این قیام، توانست تا مدت‌ها آرامش لازم را برای حکومت دیکتاتوری شاه فراهم آورد.

■ **چالش لا ینحل اصلاحات سیاسی**

در فاصله قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا پهنم ۱۳۵۷، رژیم شاه برای تقویت اقتدار خود، نوسازی گسترده‌تر و مدرن کردن ارتش را در دستور کار قرار داد. بخش اعظم برنامه‌های حکومت در چار چوب انقلاب سفید شاه و مردم مطرح شدند. این طرح در دولت دکتر امینی شروع شد، ولی در دولت علم سیر آن کند شد. آیزنهاور، رئیس‌جمهور امریکا در فاصله سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ سیاست‌های قوی نظامی را در ایران دنبال می‌کرد. در عین حال که افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در ایران هم، نوسازی اقتصادی در ابعاد هر چند کوچک را ضروری کرده بود. هدف رژیم از دنبال کردن سیاست‌های رفاهی و اقتصادی، جلب نظر نخبگان و تشکیل طبقه روشنفکر وابسته به رژیم بود تا با فعالیت‌های خود، نوعی مشروعیت را برای رژیم دست و پا کند. دشوار ترین چالش روبه‌روی رژیم شاه، اصلاحات سیاسی بود.

با آغاز ریاست جمهوری جان اف. کندی، امریکا را روابط خود با شاه تجدیدنظر کرد. امریکا برای در ابتدا تلاش کردند دکتر امینی را جایگزین شاه کنند، اما با همکاری نیروهای امنیتی نظامی شاه و «سیا»، شاه ناچار شد سیاست‌های اصلاحی بیشتری را اجرا کند تا امریکا از گزینه دکتر امینی صرف‌نظر نماید.

د

دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت خارجه **امریکا در سال ۱۳۴۴ درباره بحران مشروعیت رژیم چنین گزارش می‌دهد: «شاه کنونی فقط پادشاه نیست، در عمل شخص‌وزیر و فرمانده کل نیروهای مسلح هم هست. تمام تصمیمات مهم دولت را یا خود اتخاذمی کند یا باید پیش از اجرا به تصویب او برسد. هیچ انتصاب مهمی در کادر اداری ایران بی توافق او انجام نمی‌گیرد. کار سازمان امنیت را به‌طور مستقیم در دست دار...**

عاریخ

کفتوگم ۸۸۴۹۸۴۳۷



محمد رضا پهلوی و مواجهه با ۳۷ سال چالش مشروعیت

هیچ کارهٔ همه کاره!

نقشی یش از تشریفات را در امور به عهده بگیرد.»

■ **اعتراف شاه به خودکامگی**

البته شاه گاهی بر نقش گسترده سیاسی خود در کشور تأکید می‌کرد. او در کتاب «اموریت برای وطنم» می‌نویسد: «وقتی که قانون اساسی، شاه را مسئول نمی‌شناسد، منظورش این نیست که شاه فرد غیرمسئولی است، بلکه بر عکس، او وظیفه دارد که اختیارات مقام سلطنت را خردمندانه اعمال کند. وظیفه او حکم می‌کند که در تعیین سیاست ملی و اجرای آن، رهبر حقیقی طرفدار خود و از سیاست‌های جبهه ملی ایران حمایت کرد.

سر کار آمد، رژیم شاه بار دیگر فرصت پیدا کرد که بر فشار و اختناق خود متغزاید و بار دیگر به بهانه مبارزه با کمونیسم، به سرکوب مخالفان خود بپردازد. رژیم شاه سعی کرد توصیه‌های کندی را در مورد مسائل سیاسی تا حدودی رعایت کند، منتها شیوه و روش خودش را در افزایش پیدا کردند و طبقه وابسته به دولت شکل گرفت و برخی از نوسازی‌های اقتصادی و نظامی و اندکی هم سیاسی اتفاق افتاد. هر چند اعتراضات مردمی و گسترده ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برای حکومت به صورت یک چالش جدی در آمد، اما سرکوب سریع و خشن و گسترده این قیام، توانست تا مدت‌ها آرامش لازم را برای حکومت دیکتاتوری شاه فراهم آورد. اما این تدبیر حکومت نتیجه نداد و اعتراضات مردمی و به‌خصوص دانشجویی روزبه‌روز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و اشتباهات دولت این بود که به جای جلب حمایت‌های مردمی تلاش می‌کرد با استفاده از درآمدهای نفتی، دستگاه دیوان‌سالاری و پلیسی خود را گسترش بدهد. در این نوع دولت‌ها که به دولت‌های تحصیلدار معروفند، توزیع در آمد به‌اضافه کمی فشار و زور، معمولاً مشروعیت و وفاداری سیاسی را به وجود می‌آورد، اما حفظ این مشروعیت به معنی رضایت از حکومت نیست، بلکه مردم از روی ترس است که مخالفت نمی‌کنند. در این دوره خاص، به نظر می‌رسد که درآمدهای نفتی در دو مرحله موجب ثبات حکومت شد. محمد‌های ستمی در مقاله «خطر به سیج منابع و انقلاب اسلامی» می‌نویسد: «در مرحله اول رانت توسط نخبگان حاکم کنترل می‌شد و در مرحله دوم نخبگان از این رانت برای جلب همکاری و کنترل جامعه استفاده می‌کردند تا ثبات سیاسی دولت را حفظ کنند.»

شاه در این دوره با پشتگیری روشنفکران وابسته، دائماً بر اختیارات شخصی و نفوذ سیاسی خود تأکید می‌کرد. فخرالدین عظیمی در کتاب «بحران دموکراسی در ایران» می‌نویسد: «استفاده فرماندهی کل قوا و تشکیل جلسه هیئت دولت در حضور او، باعث می‌شد که شاه



محمدرضا پهلوی در انگشت‌نمودهای مطبوعاتی

پیش‌خواب

اثری نوانتشار که دیدگاه‌های آیت‌الله مهدوی‌کنی را درباره «سیاست اخلاقی» نمایان ساخته است

روایت و تحلیلی

از رویدادهای دهه اول و دوم حیات نظام اسلامی

■ **محمدرضا کاتینی**



عالم مجاهد و قسید زنده یاد آیت الله محمدرضا مهدوی‌کنی در ادواری از حیات خویش در دهه اول و دوم انقلاب،

نماز جمعه تهران را اقامه می‌کرد. وی در این خطبه‌ها علاوه بر طرح مسائل روز و چالش‌های مطرح در فضای سیاسی کشور، عملاً در قامت یک سیاستمدار اخلاق‌گرا ظاهر می‌شد و نصیح و ارانه طریق بیش از تهدید و تندگویی در سخنان وی نمود داشت. از آن روی که این خطبه‌ها در زمره اسناد تاریخ انقلاب به‌شمار می‌رفت و دیدگاه یکی از پایه‌گذاران آن را نمایان می‌ساخت، اخیراً انتشارات دانشگاه

امام صادق(ع) به تدوین و نشر آن با اهتمام پژوهش جناب دکتر نادر جعفری هفت‌خوانی اهتمام ورزیده است. وی در بخشی از دیباچه خویش بر این اثر تاریخی، درباره مختصات آن آورده است:

«فقید سعید، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی و در کنار مسئولت‌های متعدد و کلان اجرایی و علمی خویش، امامت جمعه موقت تهران را نیز در دوره‌ای محدود به عهده داشتند. از این رو به دفتر تنظیم آثار مطبوله پیش‌پا شد تا این مجموعه از خطبه‌ها و سخنان را در یک قالب منسجم گردآوری و انتشار دهد. این مجموعه حاضر شامل پنج سخنرانی مطبوله پیش از خطبه‌ها در کنار ۲۴ خطبه‌ای که



■ **دهه ۶۰ دانشگاه امام صادق(ع)، آیت‌الله محمدرضا مهدی‌کنی در میان عده‌ای از دانشجویان**

مبنی بر تأسیس دفتر تنظیم آثار مطبوله در سال‌های اخیر انگیزه‌ای جدی برای انجام این کار تلقی می‌شود. این فراخوان بر آن بود که «گردآوری و تدوین مطالبی که قبلاً توسط حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی ارائه شده‌اند اما تاکنون به صورت اثری واحد و منسجم تنظیم و منتشر نشده‌اند.»ادر دستور کار قرار دهد و بر همین اساس «از تمامی شاگردان و دوستاندار استاد دعوت به همکاری.» به عمل آمد. نعم‌القرصه.

سوم: فرصت را برباط نزدیک و مستقیمی است که در دو سال اخیر و با پذیرش مسئولیت علمی-اجرایی در دانشگاه برای اینجانب پیش آمده و به واسطه آن از نعمت ارتباط کاری با حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی ارائه شده‌اند اما تاکنون به صورت اثری واحد و منسجم تنظیم و منتشر نشده‌اند.»ادر دستور کار قرار دهد و بر همین اساس «از تمامی شاگردان و دوستاندار استاد دعوت به همکاری.» به عمل آمد. نعم‌القرصه.

چهارم: رویکرد مطبوله در تمامی جلاستی که در محضر ایشان تشکیل می‌شود این است که جلسه را با تقسیم‌گوتاهی از قرآن کریم شروع می‌کنند و ضمن آن هم به تناسب، مباحث اخلاقی مرتبط با موضوعات اجرایی و کاری را مطرح می‌نمایند. این فرصت برای امثال من امکان تلاش شده تا مطالب در دسترس و به امور حرفه‌ای/کاری و امور اخلاقی فراهم آورده است.»

۱- توجه به اینکه مخاطبان خطبه‌های نماز جمعه در درجه نخست، همان نمازگزاران عاموم مردم و اقشار مختلف جامعه بوده و هستند لذا خطیب و امام جمعه می‌بایست با زبانی ساده و واژگانی قابل فهم و به دور از تکلف و آرایه‌های کلامی و گاهی حتی با تکرار، به ایراد سخن می‌پرداخته‌است. بنابراین محتوای اصلی این متن، خطبه‌هایی شفاهی برای عموم مردم بوده و اگر چه ممکن است متن پیش رو هنوز هم از همین ویژگی‌ها برخوردار باشد اما در عین حال تلاش شده تا مطالب در حالت گفتاری خارج شوند و مشابهت بیشتری به متن بیابند.